

معرفی و متن‌شناسی نسخه خطی جواهرالاسرار رشیدای تبریزی

سیدمحمد راستگو^{۱*}، رضوان سادات باختر^۱، عبدالرضا مدرس‌زاده^۱

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

مرداد ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۵، صفحات ۶۵-۸۳

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵. ۶۲۸۹

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: دست‌نوشته‌هایی که از پیشینیان برجای مانده‌اند و اصطلاحاً نسخه خطی خوانده می‌شوند، بخش مهمی از میراث فرهنگی هر ملت و مملکتند و از همین روی، نگهداری، مراقبت و تصحیح و تحقیق آنها به شیوه علمی از واجبات فرهنگی است. مثنوی جواهرالاسرار سروده رشیدای تبریزی یکی از همین نسخه‌های ارزشمند است که اینک در دست تصحیح نگارندگان و این مقاله برای معرفی آن سامان یافته است. از نظر پیشینه، تا کنون درباره این مثنوی که دو نسخه از آن برجای مانده، پژوهشی انجام نشده است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که جواهرالاسرار به چه موضوعاتی پرداخته؟ چه ساختاری دارد؟ و با چه سبک و سیاقی سروده شده است؟

روش مطالعه: این پژوهش، مطالعه‌ای نظری است که به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی و تحلیلی انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، نسخه خطی جواهرالاسرار است که دو نسخه از آن بدست آمده است.

یافته‌ها: مثنوی جواهرالاسرار چنانکه از نامش پیداست در موضوع کانی‌شناسی است و از همین روی بجز ارزشهای ادبی از نظر تاریخ علم نیز ارزشهای ویژه دارد. رشیدا در این منظومه با تکیه بر تخصص خود در زمینه جواهرشناسی و بهره‌مندی از کتابهای این فن، درباره گوهرها، معادن آنها، انواع آنها، قیمت آنها و... سخن گفته است.

نتیجه‌گیری: موضوع این مثنوی در اصل کانی‌شناسی است و سراینده به تفصیل در هشت باب درباره هشت گوهر قیمتی سخن گفته و به مناسبت از داستان و تاریخ یاری گرفته، و با گونه‌ای نوآوری در مثنوی، هر بحث و بخش را با یک رباعی آغاز کرده، و از نظر زبانی و ادبی بیش از هر چیز به ترکیب‌سازی و تصویرپردازی توجه داشته است.

تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۲۷ خرداد ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۳ تیر ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۳۱ مرداد ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

جواهرنامه، جواهرالاسرار، رشیدای تبریزی، کانی‌شناسی، ترکیب‌سازی.

* نویسنده مسئول:

rastgoo@kashanu.ac.ir

۵۵۹۱۹ (۹۸۳۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

An introduction and textualization of Javaher Al-asrar manuscript by Rashidaye Tabrizi

S.M. Rastgoo^{۱&۲*}, R. Sadat Bakhtar^۱, A. Modarreszadeh^۱

^۱- Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.

^۲- Department of Persian Language and Literature, Kashan University, Kashan, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۱۵ May ۲۰۲۱

Reviewed: ۱۷ June ۲۰۲۱

Revised: ۰۴ July ۲۰۲۱

Accepted: ۲۲ August ۲۰۲۱

KEYWORDS

Javahernameh, Javaher-al-Asrar,
Rashiday Tabrizi, Mineralogy,
composition.

*Corresponding Author

✉ rastgoo@kashanu.ac.ir

☎ (+۹۸ ۳۱) ۵۵۹۱۹

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Handwritten texts, which have remained of the ancestors and are technically called manuscript, are the main part of cultural heritage of every nation and country. Therefore, scientific maintenance, conservation, correction, and research of them are the cultural obligatory. Javaher Al-asrar couplet poem by Rashidaye Tabrizi is one of these invaluable manuscripts which is now under our correction and this article has been written to introduce it.

METHODOLOGY: The present research is a theoretical study that has been done by library method and descriptive-analytical method. The study area and population is a manuscript of javaher al asrar.

FINDINGS: This couplet poem, as its name shows, is about mineralogy, and is worthy in terms of science history among the other literary works. In the literature, there has been no study about two remained versions of this manuscript.

CONCLUSION: This investigation aimed to answer the questions as to: Which topics was Javaher Al-asrar written about? in which style and structure was it composed? and concluded that its main topic was mineralogy, and the poet talked about eight pricey gems in eight detailed chapters. He appropriately used the historical stories, and started each section and unit with a quatrain in an innovative way. In terms of language, he focused on making an incorporation more than anything else.

DOI: [10.22034/bahareadab.2022.15.7289](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.7289)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۵	 ۰	 ۰

مقدمه

بی‌گمان دست‌نوشته‌هایی که از عالمان، شاعران و نویسندگان سده‌های گذشته، برجای مانده‌اند و به اصطلاح نسخه خطی خوانده میشوند، بخش بسیار مهم و ارزشمندی از میراث فرهنگی هر ملت و مملکتی هستند و از همین روی نگهداری، مراقبت، مرمت و بویژه تصحیح و تحقیق آنها به شیوه‌های درست علمی و انتقادی و از سوی کسانی که شایستگی و دانش این کار را دارند، از واجبات و ضرورت‌های فرهنگی است و بی‌توجهی به آنها بی‌توجهی به هویت فرهنگی و ملی و علمی است، همانگونه که چاپ و نشر آنها به شیوه‌های بازاری و غیرعلمی گونه‌ای خیانت فرهنگی است. تصحیح متون و چاپ و نشر آنها بصورت علمی و درست، کاری علمی و فنی است و مانند هر کار علمی دیگر قواعد و ضوابطی دارد و نیازمند دانش و آگاهی‌های ویژه است. به پشتوانه این آگاهی‌ها و با بکار بستن روشمندانه این قواعد و ضوابط است که مصحح میتواند متنی مطمئن و قابل‌اعتماد از یک دست‌نوشته را بدست دهد؛ چراکه به گفته استاد زرین‌کوب «هدف از تصحیح آثار ادبی و غیرادبی این است که از روی نسخه‌های خطی موجود، نسخه اصلی یا قریب به اصلی یک اثر را بدرستی مرتب و مدون کنند و آن را به صورتی ارائه دهند تا خواننده امروزی بتواند یقین و اطمینان حاصل کند که اگرچه اصل یک اثر را در دست ندارد، نسخه‌ای در اختیار دارد که مصنف و مؤلف آن، آن را نوشته و تصنیف کرده است» (نقد ادبی، زرین‌کوب: ص ۹۳؛ همو: یاداشتها و اندیشه‌ها: ص ۲۷).

کار شایسته بلکه بایسته دیگر در باب نسخه‌های خطی، معرفی و شناساندن تفصیلی آنها به جامعه علمی و فرهنگی، بویژه دوستداران اینگونه مباحث و مسائل است. مقاله‌ای که در دست دارید، در همین راستا میکوشد نسخه خطی جواهرالاسرار رشیدای تبریزی را معرفی کند. مثنوی جواهرالاسرار از رشیدای تبریزی بخشی از کلیات این شاعر عصر صفوی است و در نیمه‌های قرن یازدهم سروده شده است. پرسشهایی که این پژوهش در پی پاسخ به آن است، عبارتند از: موضوع جواهرالاسرار چیست و این مثنوی به چه مسائل و مطالبی پرداخته است؟ ساختار کلی این مثنوی و سبک و سیاق آن چگونه است؟ سراینده بیشتر از چه شیوه و شگردهای بیانی و بلاغی بهره گرفته است؟ چند نسخه از این مثنوی باقی مانده و نسخه‌های آن از نگاه نسخه‌شناسی چه ویژگی‌هایی دارند؟

سابقه پژوهش

هرچند در این سالها تصحیح نسخه‌های خطی بازاری بسیار گرم یافته و شمار بسیاری از آنها تصحیح و چه بسا متأسفانه تغلیط شده است، به گواهی منابع مطالعاتی، فهرست نسخ خطی و چاپی، سایتهای اینترنتی و بانکهای اطلاعاتی، تاکنون هیچ پژوهش، کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای در باره مثنوی جواهرالاسرار و دیگر آثار رشیدای تبریزی انجام نگرفته و برای نخستین بار است که نگارندگان هم به تصحیح متن این مثنوی پرداخته و هم در این مقاله آن را معرفی نموده‌اند. از دیگر آثار رشیدا تنها ساقی‌نامه او را گلچین معانی به چاپ رسانده است (تذکره پیمانه، گلچین معانی: ص ۱۸۵).

بحث و بررسی

معرفی رشیدای تبریزی

رشیدا یا رشید تبریزی از تبار تبریزی‌هایی است که به اصفهان آمده بودند و در محله عباس‌آباد سکونت داشتند. از احوال او آگاهی چندانی در دست نیست. از آنچه در برخی از تذکره‌ها درباره او آمده، برمی‌آید که او زاده اصفهان است و جز شاعری در فن زرگری و میناکاری نیز بی‌مانند بوده، و از همین روی نزد شاهان و بزرگان بسیار اعتبار

و احترام داشته است. سفری نیز به هند داشته است. تاریخ ولادت و وفات او معلوم نیست و از این گفته نصرآبادی: «پیش از حال تحریر فوت شد» (تذکره نصرآبادی: ص ۳۸۸) برمی‌آید که وفات او پیش از سال ۱۰۸۳ ق بوده که سال تحریر تذکره نصرآبادی است (درباره او بنگرید به: تذکره نصرآبادی: ص ۵۹۴؛ شام غریبان، شفیق لهجمی: ص ۱۱۴؛ روز روشن، صبا: ص ۲۹۲؛ کاروان هند، گلچین معانی: ۴۴۲/۱).
رشیدا در همین مثنوی جواهرالاسرار برخی نکته‌ها را درباره خود آورده است. برای نمونه چندبار از دو هنر ممتاز خود شاعری و جواهرشناسی به شیوه مفاخره یاد کرده است:

شکرلله که از دو جوهر پاک ایزدم داده جوهر ادراک
معرفت‌سنج جوهر ازلم هم جواهرشناس بی‌بدلم
(جواهرالاسرار: بیت ۶۶-۶۵)

یا در وصف‌الحالی که در پایان آورده، اشارتی دارد به اینکه فرزندان او در کودکی مرده‌اند و خلفی از او برجای نمانده و او آثار شعری خود را به جای خلف برجای نهاده است:

نونه‌الان نورس چمنم ناشکفته ز بوی پیرهنم
همه در غنچگی خزان کردند زین چمن رو به آشیان کردند
اندر این گلشن پر از نیرنگ جلوه‌شان بود چون پریدن رنگ (...)
چون نبودم ز دودمان خلفی که نهالش کند گل شرفی
مخزن سینه را صدف کردم نغمه‌ام را در خلف کردم
که پس از من ظهور دانش من شود از نور معنیم روشن
(همان: بیت ۲۷۱۹-۲۷۱۰)

رشیدا در انواع قالب‌های شعری دست داشته، اما توجهش به قالب مثنوی بیشتر بوده است. نسخه کلیات او که در کتابخانه ملک نگهداری میشود، شامل این بخشهاست که بیشتر مثنویند:

۱. مثنوی در «تتبع مخزن‌الاسرار» حدود ۲۰۰ بیت؛
۲. مثنوی «حسن گلوسوز» حدود ۳۵۰۰ بیت، سروده‌شده در سال ۱۰۴۰؛
۳. مثنوی «نقش ارژنگ یا سبعة سیاره» ۲۲۰۰ بیت و سروده سال ۱۰۶۰؛
۴. مثنوی «قضا و قدر» ۵۵۵ بیت؛
۵. «ساقینامه» موسوم به «میکده شوق» ۳۱۶ بیت؛
۶. مثنوی «جواهرالاسرار» حدود ۳۰۰۰ بیت؛
۷. مقطعات، ترجیعات، ترکیبات و رباعیات، ۶۰۰ بیت.

(کاروان هند، گلچین معانی: ۴۴۳/۱)

نسخه‌های خطی جواهرالاسرار

از جواهرالاسرار تاکنون دو نسخه شناسایی شده است:

۱. نسخه کتابخانه ملک: درباره این نسخه که بخشی از کلیات رشیدای تبریزی است و به شماره ۷/۵۲۶۶ در کتابخانه ملک، نگهداری میشود، در فترا چنین آمده است: «جواهرالاسرار» با عنوان قرار دادی «کلیات رشید» از رشید تبریزی.

آغاز:

نوری که ازو جهان تجلی زار است گلگونه رنگ هر گل رخسار است (۱)

انجام:

صید وحشی رم غزال سخن شده رام خیال‌بازی من (۲۷۵۲)

خط: نستعلیق، عناوین و نشانیها، جدول‌بندی‌شده به زر، رنگ عنوانها و جدولها شنگرف، نوع جلد کتاب میشی ضربی که در ۱۰۱ برگ ۱۵ سطر، در قرن ۱۱ هجری کتابت شده است (فهرست نسخه‌های خطی ایران، درایتی: ص ۱۰۶۷).
نسخه کتابخانه دانشگاه تهران: این نسخه که با شماره ۸۷۶۶ در کتابخانه دانشگاه تهران نگهداری میشود، به گفته فنخا در قرن دوازده روی کاغذ سپاهانی به خط نستعلیق خوبی کتابت شده است. ۹۶ برگ دارد و هر برگ ۱۵ سطر. نام کاتب ندارد. این نسخه که هشت باب دارد با این بیت آغاز شده:

نوری که ازو جهان تجلی‌زار است گلگونه رنگ هر گل رخسار است (۱)

و با این بیت پایان یافته است:

پیش دستان زنی که اهل فن است رنگ گلگونه سخن سخن است
(همان: ص ۲۷۵۴)

رسم الخط نسخه‌ها

برخی از شاخصترین ویژگیهای رسم الخطی نسخه‌ها، اینهاست:

حرف «گ» همه‌جا بصورت «ک» نوشته شده است:

آنچه در کارگاه نیرنگ است کل عکس بهار یگرنگ است

(۲۶۷۳)

حروف «پ» و «چ» و «ز» مانند امروز همه جا با سه نقطه نوشته شده‌اند.

حرف «ت» در پایان کلمات عربی، گاه بصورت گرد کتابت شده است:

موجش از شش جهت گشاده برو پشت و رویش چو آفتاب دورو

(۳۲۳)

کلمه «است» گاه مانند امروز جدا از کلمه قبل و گاه پیوسته به آن نوشته شده:

چمن صفح‌ام گهر رقم است گل مجموعه گلشن ارم است

(۱۷۹۴)

جدانویسی «ن» نفی از فعل بعد از خود:

تا به آن منزل خطر نرسی دل نه بندی به صدق حرف کسی

(۱۶۱۹)

حذف «های» غیرملفوظ از آخر کلمات هنگام جمع بستن با «ها»:

قطعه‌های بزرگ خوش سیما گردد آئینه جهان‌آرا

(۲۱۵۹)

حرف اضافه «به» در همه موارد به کلمات بعدی پیوسته است:

کمر خدمتت چو بر جان بست بسلیمان رسید دست بدست

(۲۴)

«به» تزیین در آغاز فعلها نیز همیشه پیوسته است و بندرت جدا، مانند «به تلاش» در این بیت:
در خریداری‌اش گرفته مباش یوسف ارزان نمیشود به تلاش

(۱۱۹۷)

«می» استمراری به هر دو صورت جدا و پیوسته نوشته شده است:

شاه جوهرشناس دریادل زان گهرها که میشود حاصل

(۳۲۴)

«رای» مفعولی به واژه قبل از خود پیوسته نوشته شده است.

به نثار شه فلک‌پایه بحر و کان را بکن تنکمایه

(۱۴۴)

متصل‌نویسی صفت اشاره «این» با کلمه بعد:

دولتش تا گهرقرین باشد گردش سالش اینچنین باشد

(۱۴۵۳)

نهادن سه نقطه زیر سین کشیده که شیوه رایجی بوده است، در این متن نیز گاه رعایت شده و بیشتر رعایت نشده.
مانند «نیسان» در این بیت:

تو گهرطبعی و دلت عمان آبرو را بکن گهرنیسان

(۱۴۳)

غلط‌نویسی برخی واژه‌ها، مانند «خار» بجای «خوار»، «چو» بجای «چه»، «خواموش» بجای «خاموش» در بیشتر موارد.

جوهرش را چو سرمه خوار نمود به غبار رهش نثار نمود (۹۳۹)

چنانکه از بیت‌های زیر برمی‌آید:

دو کمان را به زورمندی هوش ساختی روشناس حلقه‌گوش

با چمن‌پرور حدیقه راز شد دلت عندلیب وحی‌طراز

از دمش چهره‌تاب نور شدی مشرق مطلع‌الظهور شدی

با نظامی به سבעه سیار شد در فطرتت قرینه‌شمار

نقش ارژنگ و هفت‌پیکر او	از فروغ همنند آینه‌رو
پنجۀ قدرت تو در همه فن	شخ‌کمانی کند به زور سخن
همچو خسرو ز فکر شعبده‌زای	در سخن گنج خسروی بنمای
بگشا قفل معنی از در گنج	به گهرنامه شو جواهرسنج

(۱۸۵-۱۷۸)

جواهرالاسرار سومین مثنوی رشیدای تبریزی است و در سرودن آن به هشت بهشت امیرخسرو چشم داشته است، چنانکه در دو مثنوی پیشین و به تعبیر استعاری خودش: «دو کمانی که روشناس گوشها ساخته» به سنایی و نظامی چشم داشته: در نخستین که به گمان بسیار «مطلع الظهور» نام داشته به سنایی و حدیقه‌اش و در دومین که «سبعه سیاره» و «نقش ارژنگ» نام دارد، به نظامی و هفت‌پیکرش. جواهرالاسرار سومین مثنوی است که رشیدا آن را مانند دو مثنوی پیشین، در وزن فاعلاتن مفاعیلن فعلن یعنی وزن حدیقه و هفت‌پیکر، در سه‌هزار بیت سروده است. این مثنوی چنانکه نامش نشان می‌دهد و در مصراع «به گهرنامه شو جواهرسنج» نیز آمده، از رده جواهرنامه‌ها و به تعبیر خود رشید «گهرنامه» هاست؛ یعنی کتابهایی که موضوع آنها سنگهای قیمتی و به تعبیر پیشینیان «احجار کریمه» است، کم‌وبیش آنچه در زبان امروزیان «کانی‌شناسی»، «گوهرشناسی» و «سنگ‌شناسی» گفته می‌شود. موضوعی که از دیرباز مورد توجه بوده و در باره آن کتابها نوشته شده. چنانکه در این باره کتابهایی به هرمس و ارسطو منسوب است (دائرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۶۷۵/۱۸).

اسناد باستان‌شناسی نشان می‌دهد بهره‌گیری از کانیه‌ها و سنگ و گوهرها برای تزئین یا تعویذ به روزگاران کهن و دوران غارنشینی بازمی‌گردد (گوهره، یحیی ذکاء، دیباچه؛ کانی‌شناسی در ایران قدیم، زاوش: ص ۹). و بشر از همان روزگاران با این پدیده‌ها سروکار داشته و روزبروز این سروکار بیش و بیشتر شده تا آنجا که کانی‌شناسی به گونه دانشی قابل توجه درآمده و موضوع نوشته‌های بسیاری شده است. درباره این دانش در ایران پیش از اسلام آگاهی چندانی در دست نیست (همانجا) اما در ایران پس از اسلام، نیز در جهان اسلام کتابهای بسیاری در این زمینه نوشته شده و بسیاری از آنها بدست رسیده است که از شناخته‌ترین و مهمترین آنها/الجماهر بیرونی است. به زبان فارسی نیز چندین کتاب مهم در این زمینه بدست رسیده است، مانند: جواهرنامه نظامی، از محمدبن ابی البرکات جوهری نیشابوری، نوشته‌شده در ۵۹۲ ق؛ تنسوخ‌نامه/یلخانی از خواجه نصیرالدین طوسی، نوشته‌شده در ۶۵۵ تا ۶۵۷ ق؛ عرایس/الجواهر از ابوالقاسم کاشانی، نوشته‌شده در ۷۰۰ ق (در این باره بنگرید به مقدمه‌های کتابهای یادشده).

باری جواهرالاسرار از نگاه موضوع و مضمون در رده همین جواهرنامه‌هاست، با این تفاوت آشکار که آنها همه به نثرند و این به نظم، و آراسته به شیوه‌ها و شگردهای بیانی و بلاغی و سرشار از انواع صور خیال چون تشبیه و استعاره و کنایه و ایهام و... و همین شگردهای ادبی است که از جواهرالاسرار که از نگاه موضوعی یک کتاب علمی کانی‌شناسی است و در رده ادبیات تعلیمی علمی، کتابی ادبی و هنری نیز ساخته است و آن را از منظومه‌های تعلیمی علمی که جلوه‌های ادبی و هنری‌شان بسیار کم‌رنگ است، مانند دانشنامه میسری که در دانش پزشکی است و فرس‌نامه صفی که در دانش اسب‌شناسی است، جدا ساخته است.

این مثنوی در ساختار کلی از هشت باب و بخش سامان یافته، هر بخش و هر باب درباره گوهری، به این ترتیب: باب اول در صفت مروارید، باب دوم در صفت یاقوت، باب سوم در صفت لعل، باب چهارم در صفت الماس، باب پنجم در صفت زمرد، باب ششم در صفت عین‌الهر، باب هفتم در صفت فیروزه، باب هشتم در صفت پازهر. رشیدا خود در

دیباچه کتاب، از این ساختار هشت‌گانی سخن گفته و در فهرستی که بدست داده، هر بخش را با دو بیت معرفی کرده است. برای نمونه باب پنجم را این‌گونه:

لوح پنجم چو گشت آینه‌دار طوطی خامه شد گهرمنقار (۱۱۷۹)
آب سرسبزی سخن زد جوش جدول صفحه شد زمردپوش (۱۹)

به گمان بسیار اینکه، رشیدا جواهرالاسرار را - که گاه آن را هشت‌گنج خوانده - همتای «هشت‌بهشت» امیرخسرو شمرده، بیش از وزن، به همین ساختار هشت‌گانی نظر داشته، همانگونه که در سبعة سیاره که آن را همتای هفت‌پیکر نظامی دانسته، به ساختار هفت‌گانی آنها توجه دارد. البته جواهرالاسرار جز این هشت بخش که درباره هشت گوهر یاد شده است، بخشی دیگر با نام «شعبه طلسم هشت‌گنج جواهرالاسرار» نیز دارد که در آن از دیگر سنگ و گوهرها سخن گفته است. گوهرهایی چون درّ نجف، عقیق یمنی، زبرجد، سلیمانی، مرجان، یشب، سیلان، بلور، لاجورد، حدید، دهنه فرنگ، اقلیما، شاه‌مهره مار، مغناطیس، سنگ ماه‌پرست، جزع الطیور، حجر النوم، حجر الیقظه، سنگ دهنیچ، سنگ یده، و سنگ جمست.

جز گفتگوهای گسترده درباره انواع گوهرها و مسائل وابسته به آنها، این مثنوی با دیباچه‌ای آغاز شده که در آن پس از ستایش خدا و رسول، از «سبب نظم کتاب» سخن گفته و سفارش دوستی گوهرشناس را انگیزه سرودن آن دانسته، و سرانجام با ابیاتی با عنوان «وصف‌الحال» پایان یافته است. در همین وصف‌الحال است که از مرگ فرزندان در خردسالی یاد کرده و ما پیش از این، این اشارات او را آوردیم. در لابلای این موضوعات اصلی شاعر چسا به مناسبت از داستان، تاریخ، خاطره و... نیز بهره گرفته است. برای نمونه گزارشهایی درباره جعفر برمکی (ص ۳۸۵)، البارسلان (ص ۳۶۵)، نوح‌بن منصور (ص ۳۶۷)، محمود غزنوی (ص ۳۸۶)، شاه عباس و فتح قندهار (ص ۲۷۹)، فرنگی زرگر (ص ۴۲۴)، داستان بوعلی و مهره مار، (ص ۴۱۱)، دوست پرتکالی = پرتقالی (ص ۴۲۸) و ...

نیز آنچه روی هم فرهنگ عامه و فولکلور خوانده میشود یعنی باورها، سنتها و آداب و رسوم مردمی، در این مثنوی نمونه‌های چشمگیر دارد، برای نمونه این باور عامیانه درباره چگونگی پدید آمدن پادشاه چشم‌گوزن که گونه‌ای گوزن چینی خوراکش مار و افعی است، پس از خوردن بدنش داغ میشود، به چشمه میرود، زهرهای مارهای خورده بصورت اشک از چشمانش جاری میشود و منجمد میگردد. خرافه‌ای که شاعر به تفصیل آن را بازنموده است (ص ۳۸۳). نیز این باور عامیانه که گوهر هم مانند انسان و حیوان نر و ماده دارد:

به گهر هم بود اناث و ذکور هست قول صحیح نامشهور

(۴۷۳)

یا سنت مردمی خواندن دعای جوشن برای ایمنی و حفظ:

خط موجش دعای جوشن توسست زره تنگ حلقه تن توسست

(۱۱۹۵)

یا تعبیر عامیانه جنگ زرگری:

پیش طبعی که فطرت‌آیین است نکته جنگ زرگری این است

(۱۵۳۱)

نکته‌های ظریف و حکمت‌های لطیف نیز در این مثنوی نمونه کم ندارد. مانند:

این جهان ششدر مکافات است هر که بد باخت عاقبت مات است

(۱۶۷۶)

حیرت آیینه شناختن است بردن آیینه‌دار باختن است

(۵۰۳)

نیست ممکن که مستی سرشار نشود چهره‌تاب رنج خمار

(۱۶۰۴)

از ویژگی‌های این مثنوی، آمیختگی آن با رباعی است. یعنی شاعر هر بخش و باب و هر موضوع و مطلبی را با یک رباعی آغاز و گاه پایان داده است. این رباعیها که در نسخه ملک با رنگ قرمز نوشته شده‌اند، از نظر مضمون با موضوع و مطلبی که در آغاز یا پایان آن آمده‌اند، گونه‌ای تناسب براعت استهلالی دارند. برای نمونه در آغاز گزارشی رؤیابگونه از یاری همدم و جواهرشناس که او را به سرودن جواهرالاسرار سفارش کرد، این رباعی را آورده است:

شد شاهد فیض ساقی امیدم مست از می جذبۀ اثر گردیدم
گوهرسخنی حریف آهنگم شد با زمزمه‌اش بساط جوهر چیدم

(۸۳-۸۴)

ویژگی دیگر اینکه در پایان هریک از بخشهای هشت‌گانه جدولهایی افزوده شده و در آن جدولها با خط سیاق قیمت انواع گوناگون آن گوهر آمده است. چیزی که در بررسیهای تاریخ اقتصادی و اجتماعی بکار می‌آید. این مثنوی در روزگار شاه‌عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ ق) سروده شده و به او پیشکش شده است، چنانکه خود میگوید:

شد چو دور سپهر همدستم رصدش را به نام شه بستم
شاه عباس ثانی صفوی شعلۀ دودمان مصطفوی

(۲۰۳-۲۰۴)

و از آنجاکه در دیباچه جواهر از مثنوی سبعة سیاره که آن را پیشترها در ۱۰۶۰ سروده بوده، یاد کرده، ناگزیر تاریخ سرودن جواهر چندسالی پس از ۱۰۶۰ خواهد بود.

رشیدا گرچه خود زرگر، میناکار و جواهرشناس بی‌بدلی بوده و درباره انواع گوهرها آگاهیهای بسیار داشته است و کارشناس خبرۀ این مسایل بوده، چنانکه خود اشاره کرده، در پرداخت کتابش به جواهرنامه‌های پیشین نیز نظر داشته است، هر چند آنها را مانند تقویم کهنه بی‌اثر شمرده است:

این گهرنامه‌ها که در نظر است هم چو تقویم کهنه بی‌اثر است

(۱۶۱)

و گویا کتابهایی در این زمینه در دست داشته که امروزه شناخته نیستند. برای نمونه یک جا از کتابی به نام مخزن //جواهر یاد میکند و جایی از گهرنامه دول‌کندی که درباره هیچ‌کدام اطلاعی نیافتیم:

در گهرنامه دول‌کندی این چنین گفته طمطم هندی

(۱۴۸۲)

برخی ویژگی‌های زبانی و سبکی جواهرالاسرار

رشیدای تبریزی شاعر روزگار صفوی است؛ روزگار رواج و روایی سبک هندی، سبکی که از نگاه بیانی، برجسته‌ترین ویژگی‌اش چه در غزل و چه در مثنوی، باریک‌خیالی و نکته‌سنجی و مضمون‌آفرینی است و بهره‌گیری بسیار و باریک از انواع صور خیال، بویژه استعاره‌ها و کنایه‌های باریک و دیرپاب، ویژگی‌هایی که *جواهرالاسرار* سرشار از آنهاست. از سوی دیگر در این سبک از نگاه زبانی، بویژه در مثنوی، ترکیب‌سازی برجسته‌ترین ویژگی است. در این بخش این ویژگی زبانی برجسته *جواهرالاسرار* را با برخی از دیگر ویژگی‌های زبانی آن بازبینیم.

ترکیب‌سازی: رشیدا در ترکیب‌سازی توانایی بسیار دارد و ترکیب‌های زیبا و خوش‌ساخت در سخن او چنان فراوان و پربسامد است که میتوان آن را از ویژگی‌های سبک شخصی او بشمار آورد. ترکیب‌های فراوانی که بیشتر پیامد نیازهای بیانی و بلاغی است و او با بهره‌گیری از آنها هم نیازهای بیانی بلاغی خود را در گزارش اندیشه بخوبی برآورده، هم سخن خویش را زیباتر، ایجازیتر ساخته و هم سرمایه‌واژگانی و بیانی زبان فارسی را افزوده است. باری ترکیب‌های پربسامد *جواهرالاسرار* که بیشتر اسم مرکب یا صفت مرکبند، به شیوه‌های گونه‌گونی ساخته شده‌اند:

- گاه با دو اسم، (اسم + اسم)، مانند: گهرآغوش، گهرسخن، ترانه‌نیرنگ، گهرچمن، شکرسخن. در این بیتها:

لیک از رمز کاردانی هوش با خیالش شدم گهرآغوش

(۲۵۴۲)

این نه افسانه بیان من است شرح افسانه‌اش گهرسخن است

(۷۱۸)

نکته‌دان ترانه‌نیرنگی در عیار سخن گهر سنگی

(۱۰۴)

نخل سرسبزی‌ام گهرچمن است طوطی خامه‌ام شکرسخن است

(۱۱۸۰)

نیز مانند برق‌اساس (۳۳۶)، تجلی‌آیین (۳۳۴)، خرف‌طینت (۳۳۷)، شخ‌کمان (۲۶۳)، شعله‌آهنگ (۳۹۰)، غلط‌خیالان (۳۳۴)، گهردل (۲۸۵)، و...
گاه با صفت + اسم: تنک‌بنیاد (۴۴۱)، تنک‌پایه (۲۹۵)، تنک‌مایه (۳۳۰)، خشک‌مغز (۲۹۵)، سبک‌بها، سبک‌دست (۴۴۷)، سبک‌مایه (۲۹۵).

جوهرش را نبود پرتو نور بود قدرش سبک‌بها چو بلور

(۱۰۹۳)

گاه با اسم + بن مضارع که حاصل آن بیشتر صفت فاعلی یا مفعولی مرکب است، مانند:

گهرتاب، موج‌ریز، زمردبار، شعله‌پرور، نغمه‌پرداز، گهرتازی،

بحر اندیشه‌ام گهرتاب است ساحلش موج‌ریز سیماب است

(۱۶۲۳)

بازم از فیض نشئه گفتار شده لوح سخن زمردبار

(۱۱۷۹)

چون گرفتم گهرعنان ز شهش ساختم شعله‌پرور نگهش

(۳۷۸)

باز طبعم ز نغمه‌پردازی در سخن میکند گهرتازی

(۱۰۲۰)

نیز مانند آبرو پرور (۲۹۲)، ادایاب (۳۷۵)، برق‌افروز (۲۶۳)، ترانه‌فروز (۳۷۳)، جوهر‌فروز (۳۲۷)، چمن‌آرا (۲۷۹)، سینه‌کاو (۳۶۹)، شهرآرای (۲۹۲)، غلط‌فهم (۴۴۷)، فطرت‌آزما (۲۷۸)، مطلع‌آرا (۳۳۵)، ناف‌پیچ (۲۹۱)، نمک‌چش (۳۳۰)، هاله‌پرور (۲۸۹).
گاه با شیوه‌های دیگر، مانند: آینه‌زار (۳۳۴)، آینه‌زیب (۳۳۷)، تجلی‌زار (۴۴۵)، جوره‌جور (۲۹۴)، خزان‌آلود (۲۸۳)، دورویه (۳۲۵)، سخن‌مغرور (۴۴۷)، میان‌تهی (۲۹۵)، نظربند (۲۹۵)، نیم‌خند (۳۲۷)، نیم‌کش (۲۷۸)، نظاره‌فریب (۳۳۷)، هرزه‌نال (۳۳۵).

ترکیب‌سازی با واژه‌های ویژه

در ترکیب‌سازیهای رشیدا پاره‌ای از واژه‌ها بسیار چشمگیرند و او با بسامد بالایی با آنها ترکیب ساخته است. بیش از هر واژه‌ای با واژه «گهر» که با موضوع کتاب نیز که درباره گهرها است، تناسب دارد. برای نمونه: گهرآغوش (۳۱۵)، گهرافروز (۲۷۷)، گهربنیاد (۲۸۵)، گهرپیما (۳۰۱)، گهرتاب (۲۸۷)، گهرتحریر (۲۸۵)، گهرتذهیب (۳۲۵)، گهرتمکین (۲۹۷)، گهرثمر (۲۷۷)، گهرحاصل (۳۳۰)، گهرجولان (۳۵۷)، گهرچنگ (۲۷۹)، گهرخزینه (۳۳۳)، گهردعوی (۲۹۵)، گهررقم (۳۳۷)، گهرزا (۲۰۵)، گهرزیور (۳۲۵)، گهرسنگ (۲۹۱)، گهرعنان (۲۸۷)، گهرفطرت (۳۶۷)، گهرقرین (۳۳۳)، گهرمایه (۲۹۹)، گهرمنقار (۳۲۵)، گهرنامه (۳۲۵)، گهرنسبی (۳۰۲)، گهرنما (۲۸۳)، و ...

نیز با واژه «تاب»: آینه‌تاب (۳۲۷)، پنجه‌تاب (۲۸۹)، چهره‌تاب (۳۲۹)، زرین‌تاب (۲۷۳)، شفق‌تاب (۳۳۵)، کمرتاب (۲۹۹)، گهرتاب (۲۸۷)، سلسله‌تاب (۳۷۰)، نظرتاب (۴۰۵)، جگرتاب (۲۸۵)، جوهرتاب (۲۶۳).

ترکیب‌های تشبیهی: ترکیب‌های تشبیهی نیز در این مثنوی بسامد بالایی دارند و رشیدا از این شگرد بلاغی بسیار بهره برده و ترکیب‌های تشبیهی تازه و زیبای بسیاری به گنجینه زبان فارسی افزوده است. اینک نمونه‌هایی: بلبل نغمه (۲۹۵)، بهار ترانه (۲۷۸)، بهار گفت و شنید (۳۵۷)، تیغ تهوّر (۳۲۹)، جوهر ادراک (۲۸۷)، چراغ یقین (۳۱۹)، چشمه تمنا (۳۵۸)، چشمه طلب (۲۷۳)، چمن صفحه (۳۵۷)، خضر کلک (۲۷۳)، داغ دلکوری (۳۲۴)، در ترنم (۲۸۳)، دجله فنا (۳۳۹)، رخس اقبال (۳۲۹)، زلال انصاف (۳۳۷)، سراب تشنه‌لبی (۲۷۳)، سیه‌خانه کذب (۳۱۹)، شرطه اشارت (۲۹۵)، ششدر مکافات (۳۶۹)، ششدر نظربازی (۲۹۵)، صندل کدورت (۲۸۷)، غبار ملال (۲۸۳)، غزال سخن (۴۴۷)، کارخانه بود (۳۲۱)، گل بخت (۲۸۳)، گل بی‌برگی (۳۷۱)، گل سخن (۲۹۵)، گل صدبرگ مطلب (۳۷۱)، گل صدبرگ نغمه (۳۳۳)، گوهر ترنم (۳۳۳)، مانی فطرت (۲۷۸)، مصر امید (۲۸۳)، نیسان رحمت (۳۲۱)، نیل بدنایمی (۳۴۷).

جز اینگونه ترکیبهای تشبیهی اضافی، گونه دیگری از ترکیب تشبیهی نیز در این مثنوی چشمگیر است: صفت‌های مرکبی که ژرف‌ساختی تشبیهی دارند، مانند «صراحی‌اندام» یعنی کسی یا چیزی که اندامی چون صراحی دارد؛ «غنچه‌دل» (۳۲۵) یعنی کسی که دلی چون غنچه دارد؛ غنچه‌خسب (۳۷۳) یعنی کسی که چون غنچه می‌خسبد، غنچه‌خند (۲۷۸) یعنی کسی که چون غنچه می‌خندد، گهرسخن (۳۱۲) کسی که سخنانش چون گهر است، «محیط‌آغوش» کسی یا چیزی که آغوشی چون دریا دارد؛ محیط‌حوصله (۳۹۱) یعنی کسی که حوصله‌ای به‌اندازه دریا دارد.

ترکیبات عربی: اینک که سخن از ترکیبات جواهرالاسرار است، گفتنی است که ترکیبات عربی مانند باطل السحر (۴۴۱)، خاص الخاص (۳۲۵)، راسخ الخیال (۲۹۷)، لله الحمد (۴۴۴)، لم یزل (۳۲۴)، حجر النوم (۴۱۹)، حجر الیقظه (۴۲۰)، عین البقر، عین السباع، عین السمک (پ ۳۶۲) و... نیز در این مثنوی چشمگیرند:

تاجری راسخ الخیال سخن گهرافروز نغمه در هر فن

(۵۸۴)

به مقام سرور لم یزل بودش آینه دار نور علی

(۴۵)

پرده‌سوز غلط‌خیالان شو باطل‌السحر هرزه‌نالان شو

(۱۶۸)

کاربردهای ناآشنا یا کم‌آشنا: در این مثنوی واژه‌ها و اصطلاحات بسیاری هست که برای امروزیان غریبه و ناآشنا مینمایند. برخی از اینها کهن‌کاربردها هستند یعنی واژه‌ها، ترکیبات و ساختهای آرائیکی و کهنی که کم‌کم در گذر زمان یا از گردونه زبان بیرون رفته‌اند یا در لفظ و معنی و ساخت دگرگونی‌هایی پذیرفته‌اند، مانند «پازن» به معنی بزکوهی، و برخی کم‌کاربردها هستند یعنی واژه‌ها، و اصطلاحات ویژه‌ای که برای کسان ویژه‌ای آشنایند و در متون ویژه‌ای کاربردی رایج دارند، اما برای عامه مردم ناآشنا و غریبه‌اند، از این دستند واژه‌های بیگانه عربی، ترکی، هندی؛ مانند «چیره» هندی به معنی گونه‌ای دستار و روسری. نیز از این دستند اصطلاحات ویژه علوم و فنون و مشاغل و... مانند اصطلاحات کانی‌شناسی در این مثنوی.

کهن‌کاربردها، مانند: آل (۳۸۲)، ارژنگ (۳۸۶)، پازن (۳۸۱)، پرتکال (۳۷۸)، جیقه (۲۸۵)، چریک (۲۹۰)، دیهیم (۲۸۵)، زیج (۳۵۶)، شیخ‌کمان (۲۶۳)، طیلسان (۲۹۱)، مصطبه (۲۹۳)، هزبر (۳۸۲) و... در بیت‌هایی از این دست:

رتبه وزن او سه مثقال است نشأ و عکس سبزش آل است

(۱۹۲۰)

پازنی را که در بلندی کوه صید سازد پلنگ شیر شکوه

(۱۸۱۳)

پنجۀ قدرت تو در همه فن شیخ‌کمانی کند به زور سخن

(۱۸۲)

بی‌حس افتد شکار ببر شود ببر از خوردنش هزبر شود

(۱۸۵۵)

و کم‌کاربردها مانند: اناث (۳۸۷)، انتعاش (۲۸۹)، تعویذ (۳۲۴)، تلنگانه (۲۶۵)، تنبول (۲۹۰)، چیره (۲۹۰)، ذکور (۳۸۷)، شرطه (۲۹۵)، فقاعی (۲۹۰)، قوس قزح (۲۷۸)، قیفال (۲۶۵)، مثقب (۲۹۱)، نسق (۲۸۳)، و ... در بیت‌هایی از این دست:

داده خورشیدشان ز جذبۀ نور	نشأ جوهر اناث و ذکور
(۱۹۸۱)	
تا گل مهر و ماه چهارمنماست	نسق روزگار پا برجاست
(۱۳۳۹)	
همچو خونی که جوشد از قیفال	زهرشان میچکید از دنبال
(۱۰۳۹)	
پرتوش آن دو شبچراغ فرح	کرده زنار را چو قوس قزح

(۶۱۴)

دستکاری در کاربرد واژه‌ها: رشیدا گاه واژه‌ها را با قدری دستکاری و دگرگونی بکار میبرد و این خود نشان از قدرت سخنوری شاعر است که بر بنیاد آن گاه از هنجارهای شناخته زبانی و بیانی فراتر می‌رود. گاه نیز نشان لهجه و گویش می‌تواند باشد و یا حتی اشتباه و خطا. برای نمونه کاربرد «دهلو» بجای «دهلی»، «تلخ» بجای «تلخی»، «خوردن» بجای «خوراک»، «را» بجای «رای»، «شماره» بجای «شمار»، «جوره‌جور» بجای «جوراجور»، در بیت‌هایی از این دست:

هشت گنجی که فطرت خسرو	به نظامی نمود از دهلو
(۱۹۸)	
هر زمینی که کان جوهر بود	خاک او در شماره زر بود
(۱۰۹۶)	
آنچه در طبع خویشتن بینی	شهد عیش است و تلخ غمگینی
(۱۹۱۴)	
خوردنش مار زهردار بود	ارقم و افعی‌اش شکار بود
(۱۸۴۴)	
درّه از نور مهر روشن‌راست	فخر گوهر ز شوکت دریاست
(۲۴۳)	
عقد تولیف مجمع‌البحرین	جوره جوره است مطلع‌السعدین

(۴۸۱)

از ویژگیهای بسیار شاخص جواهرالاسرار، جلوه‌های بلاغی و ادبی آن است و کاربرد پربسامد شیوه‌های بیانی و آرایه‌های بدیعی که باید در پژوهشی جداگانه بدانها پرداخت. در اینجا برای روشن شدن این جنبه از این مثنوی، به یادکرد نمونه‌هایی از ویژگیهای بلاغی و بدیعی آن بسنده میکنیم:

ماه و ماهی	چو همقران	گردید	شه	گهرسنج	امتحان	گردید
(۶۸۱)						
یمن و یمن	هم قرین	هم است	میمت	زان	درو	گهررقم است
(۲۰۳۱)						
به تو	دارد	به	نامہ	و نامی	از	بتان
						فرنگ
						پیغامی
(۹۰)						
نقل	کامل‌عیار	نقد	سخن	در	شنیدن	بود
						به
						از
						گفتن
(۲۸۳)						
هرکه	را	لطف	شاه	گیرد	دست	نه
						فلک
						پیش
						پاش
						گردد
						پست
(۹۴۶)						

به تَمَر چون رسید دست به دست جوهرش را طلسم سلسله بست
(۹۲۰)

دَمَشان گشت شعلۀ خس‌پوش شد چراغ شعورشان خاموش

(۹۰۶)

چون ز هوشم نمک چشی بچشید شعله غیرتش زبانه کشید
(۱۳۲)

با تکرار «ه/ح»:

حلقه دیده را چو هاله ماه حیرتش کرده بود دام نگاه

(۳۰۷)

با تکرار «خ»:

چون نماید لطافت رخسار خواب مخمل برش نماید خار (۱۱۹۲)

ایهام

در همه فن رشیدکار خودم گهر فخر اعتبار خودم

(۲۷۲۵)

«رشید کار» که در معنی استادکار بکار رفته، ایهامی به نام خود شاعر نیز دارد.

آن که قانون هستیش ساز است تا به سی سال نغمه‌پرداز است

(۱۷۵۷)

«قانون» که در معنی شیوه و روش بکار رفته، به قرینه «ساز» و «نغمه»، ایهامی نیز دارد به معنی دیگر آن که نام نوعی ساز است.

آب سرسبزی سخن زد جوش جدول صفحه شد زمردپوش

(۲۱۹)

«سرسبزی» که به معنی طراوت و تازگی بکار رفته، به قرینه زمرد، ایهامی به رنگ سبز نیز دارد.

اغراق

خسروی کو بلندپرواز است توسن همتش فلک‌تاز است

(۹۵۵)

ماه را گرد رهگذر داند لعل خورشید را شرر داند

(۹۵۶)

در بر جلوه‌اش بود کوتاه رتبه اوج مهر و سربلندی ماه

(۳۶۴)

عقل اول به فتوی جمهور به تو دادست در هنر منشور

(۲۴۱)

اسلوب معادله

ذره از نور مهر روشن راست فخر گوهر ز شوکت دریاست

(۲۴۳)

هنر از لطف شاه گیرد اوج بحر گردد ز مهر زرین موج
(۲۹۴)

خوی ترکان چو شعله سرکش شد خار خشکی سپند آتش شد
(۱۶۹۶)

پی‌آوری (سیاقه‌الاعداد و تنسیق الصفات)

جلوه‌اش حسن شاهد دنیاست دلخور و جان‌گداز و شعبده‌زاست
(۹۳۲)

چهره‌تاب و لطیف و آینه‌رو شفق پرتوش گل خودرو
(۸۹۳)

سبز و زرد و سیاه‌رنگ و کبود یابد از ساحلش سواد نمود
(۲۱۲۴)

پوچ و کم‌مغز و خالی از اثر است آتش‌افروز پرده جگر است
(۱۷۸۶)

خلاف‌آمد

تشنه‌کامی کشیدن سیراب:

هرکه زین جام می شود سیراب تشنه‌کامی چشد چو موج سراب
(۱۶۰۳)

سودی که زیان است:

یافت کز حسن رتبه آبش نیست هیچ سودی بجز زیانش نیست
(۱۲۸۰)

در خاموشی سخن‌طراز شدن:

چون چمن سیر بزم راز شدم به خاموشی سخن‌طراز شدم
(۹۳)

روشن شدن خاموشی:

از سهیل دَمَش عقیق یمن گشته شمع خاموشیش روشن
(۱۵۶)

استعاره

زین نهال گلی که هوشم کشت شد گلش پنجه‌تاب هشت‌بهشت
(۲۰۰)

ششدر این طلسم هشت‌حصار از جواهر شدست آینه‌زار

(۲۰۲)

زین پریخانه نظاره‌فریب که ز هر جوهریست آینه‌زیب

(۲۲۶)

نهال گل، طلسم هشت حصار و پریخانه هر سه استعاره از مثنوی جواهرالاسرار.

چون شدی پیرو شعور قیاس مژه را ساز جاده الماس

(۱۰۷۵)

الماس استعاره از نگاه تیز و دقیق.

مست هوش گه‌رایغان شد شوق پروانه چراغان شد

(۲۶۲۶)

گه‌رایغان استعاره از هنرمندان.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت آشکار شد که:

- رشیدای تبریزی گرچه از شاعران و هنرمندان بزرگ روزگار صفوی است؛ چنانکه باید و شاید به او توجهی نشده و آثارش همچنان بصورت دست‌نوشته باقی مانده و در انتظار تصحیح و چاپ و نشرند.
- جواهرالاسرار یکی از شش مثنوی رشیدا است که با چشم‌داشت به هشت‌بهشت امیرخسرو سروده شده و موضوع آنکه گوهرهای قیمتی و مسائل مربوط به آنهاست در میان مثنویهای فارسی ابتکاری است و گویا نمونه ندارد، چنانکه آمیختگی آن با رباعی در آغاز هر بخش و باب.
- این مثنوی که در اصل کتابی در زمینه کانی‌شناسی است، جز مطالب مربوط به گوهرها و کانیها، به مطالب بسیار دیگری نیز پرداخته است: داستان، تاریخ، خاطره، فرهنگ عامه و... در جدولهایی قیمت انواع گوهرها در آن روزگار را بدست داده است.
- برجسته‌ترین ویژگی زبانی این متن ترکیب‌سازی است. چه ترکیبهایی که حاصل آنها اسم یا صفت مرکب است. چه ترکیبهای تشبیهی و استعاری. برجسته‌ترین ویژگی ادبی و بلاغی آن بهره‌گیری پربسامد از فنون بیانی و آرایه‌های بدیعی است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان استخراج شده است. آقای دکتر سیدمحمد راستگو راهنمایی این رساله را بر عهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم رضوان سادات باختر به عنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر عبدالرضا مدرس زاده نیز با کمک به تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی، نقش مشاور این پژوهش را ایفا کردند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان و هیئت داوران رساله که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Amini, h. (۲۰۱۰). Javahername. The Great Islamic Encyclopedia. Tehran: The Great Islamic Encyclopedia Center. ۱۸/۶۷۵.
- Derayati, m. (۲۰۰۵). Catalog of Iranian Manuscripts (dna). Tehran: Documents and Library Organization of the Islamic Republic of Iran.
- Derayati, m. (۲۰۰۹). List of Iranian manuscripts (fankha). Tehran: Documents and Library Organization of the Islamic Republic of Iran.
- Golchin maany, A. (۱۹۸۶). Tazkera peymane. Tehran: sanaei. P. ۱۸۵.
- Golchin maany, A. (۱۹۹۰). Karvane hend (Indian Caravan Mashhad: Astan Qods Razavi. P. ۱/۴۴۲.
- Jovhari neyshaboori, M. (۲۰۰۴). Javahername nezami. The efforts of iraj Afshar. Tehran: Miras maktoob.
- Nasrabadi, M. (۲۰۰۰). Tazkera nasrabadi. The efforts of Ahmad Modaggeg. Yazd: university of yazd. P. ۳۸۸.
- Rasshida tabrizi. A. (gems secrets). javaher al asrar, Manuscript available in Malek Library. N. ۵۲۶۶/۷.
- Saba. M. (۱۹۶۴). rooze rovshan. Correction and margins: Mohammadhosein Roknzade. Tehran: Library of Razi. P. ۲۹۲.
- Shafiq lajhami. N. (۱۹۷۷). Shame gariban. Correction: Mohammad Sadegi. Karachi: Anjomane Taraggi ordo. P. ۱۱۴.
- Toosi, n. (۱۹۷۱). Tansukhname ilkhani. The efforts of Modarrese Razavi. Tehran: Iranian Culture Foundation.
- Zarrinkoob, A. (۱۹۷۷). Notes and thoughts. Tehran: Javidan. P. ۲۷.
- Zarrinkoob, A. (۱۹۹۸). Literary Criticism Fifth ed. Tehran: Amirkabir. P. ۹۳.
- Zavoosh, m. (۱۹۶۹). Mineralogy in ancient Iran. Tehran: Iranian Culture Foundation. P. ۹.
- Zoka, y. (۱۹۷۷). Jewels. Tehran: Pocket Books Company. P. ۳.

فهرست منابع فارسی

تذکره پیمانه. گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۵). تهران: کتابخانه سنایی.

تذکره نصرآبادی. نصرآبادی، محمدطاهر. (۱۳۷۹). به کوشش احمد مدقق یزدی. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.

تنسوخ‌نامه ایلخانی. نصیرالدین طوسی، محمد. (۱۳۴۸). به کوشش مدرس رضوی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

جواهرالاسرار، رشیدی تبریزی، عباسی تبریزی اصفهانی، کتابخانه ملک، شماره ۵۲۶۶/۷ (خطی)

جواهرنامه نظامی، جوهری نیشابوری، محمدبن ابی البرکات. (۱۳۸۳). به کوشش ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.

دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر کاظم موسوس بجنوردی، مقاله جواهرنامه، امینی، حسن. (۱۳۸۹). تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی. ج ۱۸. ص ۶۷۵.

روز روشن. صبا، مولوی، محمدمظفر حسین صبا. (۱۳۴۳). تصحیح و تحشیه: محمدحسین رکن‌زاده آدمیت. تهران: کتابخانه رازی.

شام غریبان، شفیق، لجهی ناراین. (۱۹۷۷). مرتبه محمد اکبرالدین صدیقی، انجمن ترقی اردو: کراچی.

فهرست نسخه‌های خطی ایران (فنا)، درایتی، مصطفی. (۱۳۸۸). تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.

فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا). درایتی، مصطفی. (۱۳۸۴). تهران: نشر سازمان اسناد و کتابخانه جمهوری اسلامی ایران.

کاروان هند. گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). مشهد: آستان قدس.

کانی‌شناسی در ایران قدیم، زاوش، محمد. (۱۳۴۸). تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

گوهرها. ذکاء، یحیی (۱۳۵۶). تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی. ص ۳.

نقد ادبی، زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۷). چ ۹، تهران: امیرکبیر.

یادداشتها و اندیشه‌ها، زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). تهران: جاویدان.

معرفی نویسندگان

سیدمحمد راستگو: ۱- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: rastgoo@kashanu.ac.ir)

رضوان سادات باختر: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

(Email: rezvansadatb@gmail.com)

عبدالرضا مدرس زاده: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران.

(Email: drmodarreszadeh@yahoo.com)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Seyed Mohammad Rastgoo: PhD student, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: rastgoo@kashanu.ac.ir : Responsible author)

Rezvan Sadat Bakhtar: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
(Email: rezvansadatb@gmail.com)

Abdolreza Modarreszadeh: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran.
(Email: drmodarreszadeh@yahoo.com)